

۱۹۸۰ در اهلکار ملی

برای اشتغال

(۱) سکینه مفتاح، رضا زرین ساز

اشاره

راهکارهای ارائه شده، حاصل بحث و تبادل نظر تعدادی از تصمیم‌سازان، قانونگذاران، صاحبان نظران، محققان، مسؤولان و کارشناسان سازمانها و دستگاههای اجرایی کشور در برنامه «سلسله نشستهای علمی اشتغال» سال ۱۳۸۰ پیرامون موضوعات اشتغال می‌باشد.

بررسیهای به عمل آمده بیانگر آن است که رفع معضل بیکاری در کشور، نیاز مبرم به عزم سران و مسؤولان عالی کشور، برنامه‌ریزیها و سیاستگذاریهای کلان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، اصلاح قوانین و مقررات و بهره‌گیری از راهکارهای اجرایی مناسب در زمینه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و اطلاع‌رسانی، صنعت، کشاورزی و خدمات، اشتغال‌نخبگان، کارآفرینی، مراکز رشد (انکوباتورها) و تکنولوژی

اطلاعات (IT) دارد و بر همین اساس، راهکارهای مذکور موضوع‌بندی و ارائه می‌گردد. امید است با توجه به اهمیت موضوع اشتغال و تأکیدهای مکرر مسؤولین در رفع معضل بیکاری، در عمل توجه کافی به آن میدول شود و در سیاستگذاریها، تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزیهای اجرایی کشور به نحو مناسب مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

عزم سران و مسؤولان عالی کشور

افزایش روزافزون بیکاری، بخصوص در بین اقشار تحصیلکرده در کشور، موجب نگرانی در بین مسؤولین و دولتمردان گردیده است. از طرفی عدم توجه کافی به برخی عوامل، مزید بر علت شده و تمام برنامه‌ریزیها و سیاستگذاریها را به نوعی تحت تأثیر قرار داده و از اثربخشی آنها کاسته است. بنابراین شایسته است که

مسؤولین و دولتمردان، در برنامه‌ریزیهای خود، موارد ذیل را مدنظر قرار دهند:

- ۱- عزم سران و مسؤولان عالی کشور به گفتگو و تنظیم اصول همکاری مشترک با یکدیگر
- ۲- مشخص نمودن اولویتهای اول کشور و عزم ملی در اجرای آن
- ۳- سازگار و یکدست نمودن رفتارهای سه قوه با توجه به اولویتهای موردنظر
- ۴- ایجاد مکانیسمی جهت نظارت بر عملکرد سه قوه
- ۵- توجه به امنیت سیاسی، قضایی، اجتماعی، روانی و... به عنوان عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد، بازار کار و اشتغال
- ۶- ایجاد زمینه لازم در جهت تشنج‌زدایی به عنوان عامل مؤثر در افزایش صادرات و اشتغال
- ۷- ایجاد نهادهای نظارتی، جهت کاهش شدت و حدت و آثار ادوار سیاسی (تنشها و تشنجهای موجود در جامعه) بر

بازار کار و اشتغال
۸- توجه به کارآمد بودن ترتیبات نهادی (نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و...) به عنوان تعیین و تضمین‌کننده قوانین در چرخه فعالیتهای اقتصادی و ناظر بر حسن اجرای قوانین در بین عوامل اقتصادی

۹- مشارکت سه قوه در تنظیم یکسری قوانین مادر که با یکدیگر در تضاد و تداخل نباشند و توجه به اجرا نمودن آنها
۱۰- تعریف مشخص وظایف سه قوه در هر یک از زیرمجموعه‌های خود و توجه به انجام آن و پرهیز از خلط امور حاکمیتی با تصدی‌گری

۱۱- شفاف و مشخص نمودن عملکرد نهادها، دستگاهها و سازمانها و ارزیابی عملکرد مربوطه

۱۲- ملزم کردن همه دستگاهها و مسؤولین کشور به اجرای قوانین و مصوبات دولت در مورد اشتغال
۱۳- توجه نهاد حکومت به اصل شایسته‌سالاری در انتخاب و انتصاب مدیران در جهت اعتلای نظام کارشناسی

برنامه‌ریزها و سیاستگذارهای کلان (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی)

ضعف برنامه‌ریزی و فقدان سیاستهای راهبردی مشخص، از جمله عوامل مؤثر و تشدیدکننده پدیده بیکاری می‌باشد. همانطور که می‌دانیم، شرایط و مشکلات موجود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور که خود، زاده و معلول این بی‌برنامه‌گیها می‌باشد، باعث شده که ما نتوانیم در زمینه‌های مختلف به موفقیت مطلوبی دست یابیم. بنابراین شایسته است که برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشور، با دقت و مدافه وافر، در جهت برنامه‌ریزی صحیح و اصولی، قدم برداشته و توجه خود را به موارد ذیل معطوف نمایند:

۱- توجه دولت به شناسایی و رفع موانع اشتغال و کارآفرینی

۲- تدوین استراتژی مشخص در بخشهای مختلف اقتصادی جهت جذب سرمایه و ایجاد اشتغال

۳- تعیین الگوی توسعه کشور با

رفع معضل بیکاری در کشور نیازمند همدلی و عزم سران و مسؤولان کشور همراه با سیاستگذاران و برنامه‌ریزهای مناسب فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در سطح کلان، بازنگری و اصلاح برخی قوانین و مقررات و شفافیت و جلوگیری از تغییرات ناگهانی آنها و نهایتاً عزم ملی در اجرا می‌باشد.

در نظر گرفتن میزان فرصت شغلی مورد نیاز

۴- ایجاد نظام اشتغال در کشور در حالت خاص، ایجاد نظام اشتغال فارغ‌التحصیلان

۵- تدوین برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت، جهت سازماندهی اشتغال کشور

۶- توجه به برنامه‌ریزی با محوریت اشتغال در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه

۷- عدم تعرض برنامه‌های بودجه یکساله با برنامه‌های بودجه پنج‌ساله

۸- بکارگیری تکنولوژی مطابق با امکانات و نیروی کار موجود در کشور

۹- بهره‌گیری بیشتر از فارغ‌التحصیلان و تکنولوژیهای انسان‌محور در عرصه‌های صنعت، کشاورزی و خدمات

۱۰- شفاف و روشن نمودن رفتارهای حکومت برای سرمایه‌گذار داخلی و خارجی

۱۱- تغییر نگرش منفی لایه‌های اجتماع نسبت به سرمایه‌گذاران و ایجاد امنیت روانی برای آنها

۱۲- ایجاد روح امید و اعتماد در جامعه، به عنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر در بهبود بازار کار و فعالیتهای اقتصادی

۱۳- انجام کار فرهنگی هدفمند در جامعه، در جهت تقویت حس مسؤولیت و انجام وظیفه در نخبگان، مدیران و تصمیم‌گیران

۱۴- ایجاد نظام کارشناسی، جهت رشد ارزش‌آفرینان، کارآفرینان، مدیران،

مشاوران، نظریه‌پردازان سطح بالا و...
۱۵- اصلاح فرهنگ کار و ارائه تعریف صحیحی از اشتغال در کشور
۱۶- ارتقاء روحیه کار‌گروهي، انتقادپذیری، روابط عمومی و ارتباطات سازمانی به عنوان عوامل غیراقتصادی مؤثر بر اشتغال

۱۷- ارتقاء و تقویت فرهنگ کار در دانشگاهها، با بهره‌گیری از انجمن‌های صنفی - دانشجویی

۱۸- متناسب نمودن توانایی بعضی از دستگاهها، با نیازهای جامعه (دستگاه قضایی، نیروی انتظامی و...)

۱۹- استقرار دستگاه قضایی با ۵ ویژگی سریع، ارزان، قاطع، بی‌طرف و همه‌جا در دسترس

۲۰- فراهم آوردن شرایط لازم جهت خصوصی‌سازی و مشخص نمودن مرز مالکیت خصوصی

۲۱- حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی و مردمی در محیطهای روستایی با تأمین تسهیلات مناسب به‌ویژه برای سرمایه‌گذاریهای اشتغالزا و پرداخت بخشی از سود تسهیلات اعطایی برای مناطق توسعه‌نیافته

۲۲- اصلاح و تثبیت سیاستهای کلان اقتصادی، پولی و مالی، ارزی و بازرگانی

۲۳- توجه به کارآمد کردن بودجه، کاهش اتکاء به درآمدهای نفتی، کاهش استقرار دولت، بهینه‌کردن سیستم بانکی و پایین آوردن نرخ تورم

۲۴- توجه به ثبات سیاستگذاری، امنیت سرمایه‌گذاری، امنیت تولید، به عنوان عوامل تأثیرگذار در سرمایه‌گذاری

۲۵- توجه دولت به رفع موانع تولید، سرمایه‌گذاری، صادرات و انعطاف‌پذیر و روان نمودن مناسبات کار

۲۶- توجه متوازن دولت به بخشهای اقتصادی و تعیین سهم برای آنها در جهت استفاده از قابلیت‌های مربوطه

۲۷- کاهش سرمایه‌گذاری در بخشهای زیربنایی دارای ظرفیت اشتغالزایی پایین

۲۸- توجه همزمان دولت به تمامی عوامل ایجادکننده فناوری مانند سرمایه، ایده دارای توجیه فنی و اقتصادی، دانش فنی، مدیریت سازمانی، نیروی انسانی متخصص

۲۹- تلاش در جهت ساماندهی روابط اقتصاد خارجی، افزایش حضور در بازارهای بین‌المللی، جلب سرمایه‌گذاری خارجی، ارتقاء روابط اقتصادی و نظارت بر اجرای سیاستهای اتخاذ شده در این زمینه

۳۰- کاهش و حذف انحصار و فضای بسته اقتصادی و همچنین موانع غیرتعرفه‌ای، جهت افزایش رقابت اقتصادی و معطوف نمودن مدیران اجرایی به نگرش بازار محوری

۳۱- اصلاح نگرش نهاده و تولید محوری مدیران ستادی و اجرایی کشور، و ایجاد نگرش ستانده و بازارمحوری در آنها

۳۲- اصلاح سیستم تخصیص منابع کشور

۳۳- توجه به مقوله خوداشتغالی و بالاخص خوداشتغالی فارغ‌التحصیلان در کشور و تخصیص اعتبارات لازم به این بخش، از طریق انجام کار کارشناسی

۳۴- بکار بردن مکانیسم صحیح در تخصیص اعتبارات و تسهیلات بانکی و... به بخشهای مختلف اقتصادی

۳۵- سوق دادن تمامی ابزارها، اعتبارات و ساز و کارهای لازم به سمت ایجاد اشتغال

۳۶- کاهش میزان بوروکراسی اداری و مدت زمان دریافت وام و تسهیلات

۳۷- اجرای تمام قوانین مصوب در مورد اعطای وام و تسهیلات از سوی بانکها

۳۸- توجه به هدفدار و جهت‌دار کردن سرمایه‌های جاری (نقدینگی) کشور

۳۹- اختصاص بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی، جهت اشتغال در کشور

۴۰- فراهم کردن امکان تأمین ارز مورد نیاز تولید از درون بخش یا منابع غیرنفتی

۴۱- کاهش اختصاص اعتبارات و منابع مالی به بخشهای دولتی و شرکتهای وابسته به دولت

۴۲- نظارت و ارزیابی دولت بر طرحهای اشتغالزا و نحوه واگذاری اعتبارات مربوطه

قوانین و مقررات

قوانین و مقررات، رکن اساسی پیشرفت

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه است و هرچه این قوانین، شفافتر، باثباتتر و کارشناسی‌تر باشد، جامعه از سلامت بالایی در تمامی زمینه‌ها برخوردار خواهد شد. متأسفانه در کشور ما، عدم شفافیت قوانین، تعویض مکرر آنها و همچنین استفاده از شیوه آزمون - خطا در وضع قوانین باعث شده است که فعالیت در تمامی زمینه‌ها با چالشی حدی مواجه باشد. بنابراین، شایسته است که قانونگذاران کشور، در رفع این معضل، سعی وافری نموده و موارد ذیل را مدنظر داشته باشند.

۱- بازنگری و اصلاح بعضی از قوانین موجود، متناسب با نیازها و امکانات کشور مانند: قانون تجارت، قانون آیین دادرسی، قانون ثبت اسناد، قانون بانکها، قانون بیمه، قوانین مالیاتی و...

۲- اصلاح سیستم مالیاتی کشور در جهت حمایت از اشتغال مولد

۳- اصلاح قوانین بیمه و مالیات در جهت تشویق تولید منتهی به صادرات

۴- کاهش مالیاتها و عوارض در بخش صنعت در جهت افزایش سرمایه‌گذاری و نهادینه کردن واحدهای مخفی

۵- تجدیدنظر در قوانین مربوط به کار و سرمایه‌گذاری

۶- اصلاح قوانین در حمایت از تولید، از مرحله سرمایه‌گذاری تا بهره‌برداری، فروش و صادرات

۷- اصلاح قوانین و مقررات کاهش‌دهنده نیروی کار

۸- کنترل و قانونمند نمودن استفاده از کارگران خارجی

۹- اصلاح قوانین در جهت کاهش و حذف انحصار اقتصادی دولت و رفع موانع غیرتعرفه‌ای

۱۰- پذیرش، تصویب و اجرای تمام قوانین مربوط به تجارت الکترونیک

۱- تصویب قوانینی برای بهره‌گیری از متخصصین در زمینه‌های شغلی مرتبط، به منظور ارتقاء کیفیت کار

۱۲- اصلاح قوانین و مقررات فاقد استراتژی مدون

۱۳- عدم تسریع در تعویض تصمیمات اتخاذ شده و جلوگیری از تغییرات ناگهانی قوانین و مقررات

۱۴- توجه به شفاف‌ترین قوانین، ضوابط و مقررات

راهکارهای اجرایی در بخشها و زمینه‌های مختلف

آموزش - پژوهش - اطلاع‌رسانی
الف - آموزش:

بیان اهمیت منابع انسانی، خود نشانگر اهمیت نقش آموزش در روند توسعه می‌باشد. چرا که آموزش، پرورش عقل سلیم و افزایش مهارتها و کارایی در منابع انسان می‌باشد و بدین جهت ابزار بسیار مهمی در تولید ثروت و رسیدن به اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور می‌باشد و ضرورت دارد که به این مقوله توجه شده و مسئولین و برنامه‌ریزان کشور، در برنامه‌ریزی خود، موارد ذیل را مدنظر قرار دهند:

۱- متناسب نمودن نظام آموزشی با برنامه‌های توسعه کشور

۲- توجه به محدود بودن تعداد کارآفرینان (به دلیل موانع ساختاری موجود در نظام آموزشی کشور) به عنوان یکی از معضلات توسعه

۳- اصلاح و رفع موانع موجود در ساختار نظام آموزشی کشور (عملکرد نیروی انسانی، سیستم اقتصادی وابسته به درآمدهای نفتی، ساختار بوروکراسی و اداری کشور و...)

۴- توجه به نوآوری، فناوری، تولید و خلاقیت در فرآیندهای آموزشی

۵- توجه به کیفیت و نوع مدیریت آموزشی

۶- توجه به نحوه تغییر مدیریت و دامنه تغییرات آن در سیستم آموزشی کشور

۷- استفاده از مدیران دارای تخصص و درجه علمی مطلوب و دانش کافی در سیستم آموزشی کشور

۸- ثبات مدیران مجرب در سیستم آموزشی کشور

۹- بالا بردن سطح مهارتی نیروی انسانی و توجه به آموزش سازمانی

۱۰- توجه به عواملی مانند، استفاده صحیح از نیروی انسانی، شیوه مدیریت و روشهای جدید کارگروهی

۱۱- توجه بیشتر به پرورش

۲۴- بازنگری در ساختار آموزش و پرورش کشور و تعریف سیستم آموزشی براساس کارآفرینی

۲۵- توجه به آموزش اینترنت در مدارس و دانشگاهها و اجباری نمودن آنها

۲۶- گنجاندن دروسی تحت عنوان تجارت الکترونیکی در مدارس و دانشگاهها به عنوان دروس اصلی

۲۷- توجه به آموزش حرفه‌ای صنایع دستی در مقاطع راهنمایی و دبیرستان و اتصال این فارغ‌التحصیلان به دانشگاهها جهت بهره‌گیری بهتر از آنها

۲۸- استفاده از اساتید مجرب و مرتبط با صنایع دستی در دانشگاهها

۲۹- آشنا نمودن فارغ‌التحصیلان دانشگاهها با نظام کار

۳۰- آشنا نمودن فارغ‌التحصیلان با قوانین و مقررات مالیاتی، حقوقی و غیره

۳۱- فراهم نمودن زمینه‌های مناسب جهت متناسب نمودن استعداد و علاقه افراد مستقاضی ورود به دانشگاه با رشته‌های انتخابی

ب - پژوهش:

بدون شک، تحقیق و پژوهش در هر جامعه‌ای به عنوان موتور حرکت آن جامعه در رسیدن به رشد و ترقی محسوب می‌شود. به طوری که می‌دانیم، یکی از شاخصه‌های توسعه‌یافتگی در جوامع پیشرفته، میزان سره‌ایه‌گذاری و توجه و اهمیت به امر پژوهش می‌باشد. بنابراین با توجه به نقش مؤثر تحقیقات در پیشبرد امور و توسعه همه‌جانبه جوامع، شناخت وضعیت تحقیقاتی کشور و توجه به امر پژوهش و تحقیق، از امور مهم و اولویت‌های توسعه محسوب شده و شایسته است که مسؤولین و برنامه‌ریزان کشور، در برنامه‌ریزی‌های خود، موارد ذیل را مدنظر داشته باشند:

- ۱- توسعه تحقیقات کاربردی و بهره‌برداری از آن
- ۲- توجه جدی مدیران به امر تحقیق و پژوهش در تصمیم‌گیریها
- ۳- توجه به آینده‌پژوهی در کشور و توجه ویژه به بخشهای تکنولوژی اطلاعات، بیونکولوژی، نانوتکنولوژی و



آموزش عالی به آموزشهای کاربردی و فراهم نمودن الزامات موردنیاز

۱۹- کمک دستگاهها و نهادهای مختلف، خصوصاً نهادهای تخصصی وزارتخانه‌های مرتبط جهت ارائه آموزشهای کاربردی

۲۰- ایجاد بک نظام آموزشی از سوی صدا و سیما، بخش خصوصی و وزارتخانه‌ها، در مورد نحوه کار کردن با سرمایه کم

۲۱- فراهم آوردن زمینه‌ای جهت کسب تجربه و آشنایی علمی دانشجویان از آموخته‌های نظری خود

۲۲- توجه به مفوله آموزشهای کارورزی در کشور

۲۳- برگزاری دوره‌های کارورزی بلندمدت برای فارغ‌التحصیلان

استعدادهای نهفته در مناطق محروم و آموزش آنها با توجه به زمینه طبیعی و اقلیمی

۱۲- توجه به تأثیر و تأثر سیستم آموزشی و سیستم اقتصادی از یکدیگر

۱۳- تغییر سیستم آموزشی در راستای بهبود اشتغال

۱۴- فرار دادن ساختار اشتغال در کنار ساختار آموزش عالی

۱۵- منطبق کردن آموزشهای فنی با نیازهای بازار کار و منطقه

۱۶- پاسخگویی نظام آموزش عالی به نیازهای بازار کار و تلاش برای کاربردی‌سازی فارغ‌التحصیلان بیکار

۱۷- تطبیق و بالا بردن کیفیت آموزشی مراکز عالی با نیازهای بخشهای اقتصادی

۱۸- توجه دانشگاهها و مؤسسات

در سازمانهای متولی صنایع دستی
۷- ایجاد نهاد یا سازمانی واحد،
شایسته، توانمند و آگاه جهت متولی‌گری
در حوزه صنایع دستی و فرش
۸- ایجاد کارگاهها و شهرکهای صنایع
دستی
۹- برقراری ارتباط قوی بین مراکز
علمی و صنعتی کشور

ب - کشاورزی:

۱- برقراری پیوند قوی بین
فارغ‌التحصیلان و فعالان بخش کشاورزی
۲- توجه به ایجاد سازمانها و نهادهای
اجتماعی در بخش کشاورزی، جهت
کاهش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان
کشاورزی
۳- بکارگیری نیروهای متخصص و
فارغ‌التحصیلان کشاورزی در این بخش،
جهت تبدیل کشاورزی سنتی به کشاورزی
مدرن
۴- بکارگیری فناوریهای جدید
متناسب با ویژگیهای ساختاری بخش
کشاورزی جهت تغییرات سنتی حاکم بر
این بخش

ج - خدمات:

یکی از عناصر زیرساختی اقتصاد هر
جامعه، خدمات می‌باشد که در فرآیند
تولید بسیار مؤثر و ضروری است. دو سوم
اقتصاد جهانی را خدمات تشکیل می‌دهد،
به طوری که حجم معاملات اقتصادی یا
تجارت بین‌المللی در زمینه خدمات
۱۵۰۰ میلیارد دلار در مقابل ۶۰۰۰
میلیارد دلار کل معاملات بین‌المللی است
و تقریباً نصف نیروی کار را به خود
اختصاص می‌دهد. بنابراین، شایسته است
که مسؤولین و برنامه‌ریزان کشور، به این
مقوله توجه داشته و در برنامه‌ریزی خود،
موارد ذیل را مورد توجه قرار دهند:

۱- ایجاد شرکتهای عمومی به منظور
برعهده گرفتن قسمتی از فرآیند تولید و
کار شرکتهای، در جهت کاهش هزینه
تأسیس یک شرکت

۲- جلب و جهت‌دهی منابع اعم از
داخلی و سرمایه‌های خارجی به سمت
بخشهای صادراتی و بکارگیری امکانات و
ظرفیتهای خدماتی کشور در راستای

رده بالای کشور)
۴- توجه مسؤولین وزارت تعاون و
رسانه‌ها به اطلاع‌رسانی و آشنا نمودن
افکار عمومی جامعه و فارغ‌التحصیلان
دانشگاهها درخصوص حمایتها، مزیتها و
فعالیهای بخش تعاون
۵- ایجاد بانک اطلاعاتی و سایتهای
تخصصی در زمینه‌های گوناگون از جمله
صنایع دستی

صنعت - کشاورزی - خدمات

الف - صنعت:

مدیریت اقتصادی کشور، دهه‌ای را در
چالش بین اولویت‌گذاری میان بخشهای
اقتصادی سیری ساخت. عمدتاً اولویت
میان کشاورزی و صنعت، آن هم بدین
صورت که چالش به شکل علمی مطرح
نشد و مسأله به شکل قضیه معروف اول
مرغ یا تخم مرغ؟ نه تنها به مباحثه
گذارده نشد بلکه با ارائه طرح‌ها و
قانونگذاریهایی ناصواب، بر مشکلات این
دو بخش افزوده شد. دو بخشی که در واقع
دو بال بدنه پیشرفت کشور است. پس
شایسته است که مسؤولین و برنامه‌ریزان
کشور، به این دو مقوله توجه کافی میدول
داشته و موارد ذیل را مدنظر قرار دهند:

۱- برنامه‌ریزی و توجه به واحدهای
صنعتی و تولیدی موجود، جهت استفاده
از ظرفیتهای غیرفعال آنها
۲- توجه ویژه به زمینه‌هایی که در آنها
مزیت نسبی برای تولید و صادرات وجود
دارد (از جمله صنایع نساجی و...)

۳- توجه به بخشهای صنایع روستایی و
کشاورزی، خدمات اجتماعی، حمل و
نقل، خدمات تخصصی و انبارداری،
مسکن، بخشهای زیربنایی (با ظرفیت
اشتغالزایی کافی)، توربسم

۴- اعمال سیاستهای اشتغالزای در
حوزه‌های خاص مانند صنایع کوچک
کاربر، صنایع تکمیلی و تبدیلی کشاورزی،
خدمات جنبی صنعتی و معدنی، صنایع
دستی و بازاریابی کالاها و محصولات
مربوطه

۵- برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در
بخش صنایع دستی، به عنوان بخشی با
کمترین نیاز به عوامل تولید و سرمایه
۶- کاهش بخش سوداگری و تصدی‌گری

تکنولوژی مواد به عنوان تکنولوژیهای
تأثیرگذار در ماهیت مشاغل عصر جدید
در دو سه دهه آینده

۴- شناسایی بخشهای اشتغالزای و
جهت‌گیری به سمت آن

۵- شناسایی زمینه‌های اشتغال در
مناطق مختلف کشور، با توجه به منابع
موجود در بخشهای مختلف اقتصادی

۶- شناسایی و معرفی مزیتهای نسبی
کشور و پویایی در ایجاد مزیتها جدید
در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات

۷- شناسایی عرصه‌ها و زمینه‌های
شغلی نو

۸- شناسایی زمینه‌های شغلی متناسب
با فرهنگ ملی و محلی کشور

۹- احیاء نمودن بخشهای فراموش‌شده
صنایع دستی

۱۰- انجام مطالعات عمیق و نوآوری
در زمینه بهینه کردن ابزار صنایع دستی

۱۱- گردآوری اطلاعات لازم در مورد
نیازهای شغلی سازمانها و واحدهای
تولیدی و انتشار این اطلاعات برای
متقاضیان کار

ج - اطلاع‌رسانی:

در هزاره سوم میلادی، اطلاعات و
اطلاع‌رسانی، به عنوان رکن اساسی قدرت
تمدنهای مطرح شده است. به طوری که
می‌دانیم، نبود شبکه‌های اطلاع‌رسانی
همانگ و شفاف باعث شده تا
کاستی‌های اطلاعاتی (به طور مستقیم و
غیرمستقیم)، تشدیدکننده سایر مشکلات
مانند تنگناهای برنامه‌ریزی، تهیه بودجه
و بکارگیری نیروی انسانی و... باشد.
بنابراین، با توجه به نقش مؤثر
اطلاع‌رسانی در دادن اطلاعات و آگاهی به
افکار عمومی، شایسته است که مسؤولین
و برنامه‌ریزان کشور به این مقوله توجه
داشته و موارد ذیل را مدنظر قرار دهند:

۱- توجه دولت به شفافیت
اطلاع‌رسانی

۲- توجه به مقوله اطلاع‌رسانی در
تمامی زمینه‌ها و سازماندهی و ارائه
تعریفی صحیح از آن

۳- فراهم آوردن زمینه‌ای جهت
اطلاع‌رسانی به همه اقشار جامعه (از
بیکاران و خانواده‌ها گرفته تا مسوولان

برنامه‌ریزی خود، نسبت به موارد ذیل توجه لازم را مبذول نمایند:

۱- فراهم آوردن زمینه‌ای جهت رشد علمی و استفاده از معلومات و تخصص نخبگان

۲- اطمینان، تشویق و حمایت مسوولان و برنامه‌ریزان کشور از افراد مستعد و نخبه و فراهم آوردن زمینه مناسب جهت اشتغال آنان

۳- فراهم آوردن محیط شاداب و پویای علمی جهت رشد و شکوفایی استعدادها بالقوه موجود در دانشگاهها

۴- شناسایی افراد خلاق موجود در دانشگاهها و انجام برنامه‌ریزی لازم در جهت بهره‌گیری از توانمندیهای آنان در رفع نیازهای تخصصی کشور

۵- سرمایه‌گذاری بر روی جوانان مستعد خلاق و علاقمند به تحصیل و کار در داخل کشور



کارآفرینی

کارآفرینی مسأله‌ای است که متأسفانه در کشور ما جای خود را پیدا نکرده، به طوری که هیچ‌گونه آموزش و تدبیری برای تربیت کارآفرین در کشور اندیشیده نشده است. در کشورهای در حال توسعه، اهمیت زیادی به کارآفرین و کارآفرینی داده می‌شود چرا که آنها به اهمیت و ارزش کارآفرین در ایجاد اشتغال مولد پی برده‌اند. مسوولان کشور ما نیز شایسته است به این موضوع و ابعاد آن بیشتر تسوجه کنند و موارد ذیل را در برنامه‌ریزیهای خود مدنظر قرار دهند.

۱- فراهم آوردن زمینه‌ای جهت رشد پویا و ایجاد نوآوری و خلاقیت در کشور
۲- فراهم آوردن بستر و زمینه مناسب جهت شکوفایی و بالفعل شدن استعدادهای کارآفرینان

۳- طرح و پیگیری بحث کارآفرینی در سطح کلان کشور

۴- شناخت، طراحی و اشاعه فرهنگ کارآفرینی در سطوح سیاستمداران و دولتمردان

۵- ایجاد فرصتهای مساوی برای تمام افراد جامعه در زمینه کارآفرینی

۶- توجه به کارآفرینان و دادن آزادی عمل در راستای تحقق یافتن ایده‌های آنان

۶- شناسایی، معرفی و ایجاد بازارهای مناسب جهت ارائه خدمات نرم (با توجه به ارزش افزوده و مزیت نسبی کشور به لحاظ دارا بودن جوانان مستعد)

اشتغال نخبگان

اندیشمندان و برنامه‌ریزان توسعه معتقدند که توسعه کشورها به نیروی نخبه و متخصص وابسته است و این چنین عنوان می‌شود که کیفیت منابع انسانی هر جامعه‌ای تعیین‌کننده جایگاه آن در روند توسعه همه‌جانبه است. پدیده مهاجرت سرمایه انسانی که از آن با عناوین مختلف از جمله فرار مغزها، شکار نخبگان، قاچاق سلولهای خاکستری و... یاد می‌شود، یکی از موضوعات مورد بحث و از چالشهای اساسی توسعه در کشورهای مختلف به ویژه در کشورهای در حال توسعه تلقی می‌شود. بنابراین، شایسته است که مسوولین و برنامه‌ریزان کشور، در جهت فراهم آوردن زمینه اشتغال مناسب این عزیزان قدم برداشته و در

توسعه صادرات غیرنفتی

۳- جلوگیری از خدمات واسطه‌ای و دلالی، به عنوان عوامل ضربه زننده به اقتصاد و افزایش‌دهنده تورم
۴- توجه ویژه به بخش «خدمات نرم»

به عنوان:

- عامل مؤثر در ایجاد فرصتهای ابداع و نوآوری، اشتغال تخصصی و بهره‌وری نیروی انسانی

- بخش موردنیاز مدیران صنعتی و بازرگانی، سرمایه‌گذاران، کارآفرینان و سیاستگذاران

- بصیرت‌دهنده و توانمندسازنده مدیران شرکتهای و کارخانجات

- پیوند دهنده دانشگاه با صنعت

- کاهش‌دهنده هزینه‌های تولید

- پیشگیری‌کننده شکست بازار

- جلوگیری‌کننده مهاجرت نخبگان

۵- توجه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاهها، مراکز تحقیقاتی، متخصصان و پژوهشگران به ارائه

خدمات نرم در داخل و خارج از کشور

شایسته است که مسؤولان و برنامه‌ریزان کشور توجه و آفری به این زمینه داشته و موارد ذیل را در برنامه‌ریزیهای خود مدنظر قرار دهند:

- ۱- توجه ویژه به بخش IT، به عنوان بخشی با بیشترین قابلیت اشتغالزایی
- ۲- بسط و گسترش تجارت الکترونیک به تمام صنایع کشور
- ۳- فراهم آوردن زمینه‌ای جهت تشکیل دولت الکترونیکی و به تبع آن استاندارد الکترونیکی و...
- ۴- توجه به امر بازاریابی از طریق اینترنت و بررسی فرصتها، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت رفبا

نتیجه‌گیری

با توجه به راهکارهای ارائه شده می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که رفع معضل بیکاری در کشور نیازمند همدلی و عزم سران و مسؤولان کشور همراه با سیاستگذاران و برنامه‌ریزیهای مناسب فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در سطح کلان، بازنگری و اصلاح برخی قوانین و مقررات و شفافیت ر جلوگیری از تغییرات ناگهانی آنها و نهایتاً عزم ملی در اجرا می‌باشد.

همچنین به منظور ایجاد اشتغال مولد، پایدار و تخصصی بالاخص برای دانش‌آموختگان دانشگاهها، شناسایی مزیت‌های نسبی و زمینه‌های اشتغال در مناطق مختلف کشور و پویایی در ایجاد مزیتها و زمینه‌های جدید در بخش صنعت، کشاورزی، خدمات و ارائه راهکارهای اجرایی مربوطه، اطلاع‌رسانی مناسب و شفاف، فراهم نمودن زمینه‌های لازم جهت اشتغال نخبگان، توجه جدی به مقوله کارآفرینی و بسترسازی آن از دوران ابتدایی تا دانشگاه به ویژه دوره دبیرستان و کارشناسی، ایجاد مراکز رشد (انکوباتورها) و در سطح گسترده‌تر تأسیس پارکها و شهرکهای علمی - تحقیقاتی بالاخص در مراکز تحقیقاتی دانشگاهها و نیز توجه ویژه به بخشهایی چون IT و صنایع دستی که از قابلیت اشتغالزایی بالا و کمترین نیاز به عوامل تولید و سرمایه برخوردارند، از ضروریات امر می‌باشد. ●

بنابراین از آنجایی که این مراکز می‌توانند راه‌حلی برای کارآفرینی باشند، شایسته است که مسؤولین و برنامه‌ریزان کشور، در برنامه‌ریزی خود به این مقوله توجه داشته و موارد ذیل را مدنظر قرار دهند:

- ۱- تأسیس شهرکهای علمی - تحقیقاتی و انکوباتورها، به عنوان تنها راه‌حل کارآفرینی خصوصاً در بخش IT
- ۲- ایجاد مراکز رشد با اهداف:
 - پرورش ایده‌ها و کاهش میزان ریسک‌پذیری فارغ‌التحصیلان
 - رونق اقتصادی و انتقال فناوریهای پیشرفته به کشور
 - تسريع روند خصوصی‌سازی
 - گسترش شرکت‌های کوچک و همچنین رونق اقتصاد محلی و عمومی
 - اشتغال پایدار و تخصصی، خصوصاً برای دانش‌آموختگان
 - مکمل آموخته‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهها، در جهت خوداشتغالی و ارتباط دانشگاه با صنعت
 - ۳- ایجاد مراکز رشد در جهت:
 - کم شدن هزینه شرکتها
 - در دسترس بودن خدمات موردنیاز
 - اطمینان بیشتر به موفقیت شرکتها
 - استفاده از اعتبار و شهرت مرکز رشد برای برقراری ارتباطات و عقد قراردادهای وجود فضای کاری که همه با هم فعالیت می‌کنند
 - ۴- ایجاد مراکز رشد، بالاخص در مراکز تحقیقاتی دانشگاهها

تکنولوژی اطلاعات (IT)

همانند ورود هر تکنولوژی جدید به جامعه، ورود تکنولوژی اطلاعات (IT) نیز می‌تواند اثرات مثبت یا منفی بر روی اشتغال، عوامل تولید و بهره‌وری داشته باشد. تحولات و گسترش چشمگیر IT در دهه اخیر، موجب گردیده تا نیاز شدید بازار به متخصصین در حوزه IT، بخصوص نرم‌افزار در جهان، صدها برابر افزایش یابد. بدیهی است کشورهایی که دارای مزیت نیروی انسانی متخصص و ارزان‌قیمت در بخش IT می‌باشند (نظیر ایران و هند) می‌توانند علاوه بر تأمین نیروی انسانی متخصص در زمینه IT، باعث اشتغالزایی نیز گردند. بنابراین،

۷- دادن فضا، امکانات و آرامش فکری به کارآفرینان و هدایت آنان

۸- تصویب قوانینی جهت تسريع در واگذاری منابع موردنیاز به کارآفرینان

۹- توجه و حمایت دولت و سیستم بانکی کشور از کارآفرینان در جهت ایجاد اشتغال مولد

۱۰- دادن اعتبارت مالی از سوی بانکها و مؤسسات اعتباری به دانش‌آموختگان در جهت کارآفرینی

۱۱- ایجاد یک ارتباط معقول بین طرحهای کارآفرینی و منابع مالی تخصیص‌یافته

۱۲- دسترسی سریع کارآفرینان به منابع اطلاع‌رسانی، خدمات فنی - تخصصی و منابع مالی

۱۳- شناسایی کارآفرین موفق به ورود در بازارهای جهانی و معرفی آنان به جامعه

۱۴- ترویج مقوله کارآفرینی در جامعه به عنوان یک فرهنگ

۱۵- وارد نمودن واژه‌های کارآفرینی در کتب دبیرستانی

۱۶- بهادادن به کلاس به عنوان اولین محل انجام کارگروهی

۱۷- شروع فرهنگ کارآفرینی از دبیرستان و ادامه آن تا دانشگاه

۱۸- توجه ویژه دانشگاهها به مقوله کارآفرینی، با توجه به محدوده سنی دانشجویان (طبق تعریف، مناسب‌ترین سن برای کارآفرینی ۲۳-۱۷ سال می‌باشد)

۱۹- تربیت کارآفرین (افرادی که دارای علم در یک حوزه تخصصی، قدرت ریسک‌پذیری بالا، خلاقیت و نوآوری، تحمل شکست‌پذیری، اهل کار و تلاش می‌باشند و از نفس کار لذت می‌برند)

۲۰- آموزش کارآفرینان و آشنا نمودن آنها با مسائل مختلف مدیریتی، حقوقی، تخصصی و...

مراکز رشد (انکوباتورها)

مراکز رشد یا انکوباتورها، سرازکی هستند که با در اختیار قرار دادن امکانات و خدمات از یک طرف و مشاوره‌های لازم مدیریتی و حقوقی و... باعث ایجاد، پرورش و توسعه شرکتها می‌شوند.